

زنان

لایحه حجاب زیر ذره بین

نقد و بررسی آخرین لایحه «حمایت از خانواده از طریق فرهنگ حجاب و عفاف» مصوب کمیسیون قضایی مجلس



فرناز اینانلو
فعال حوزه زنان و خانواده

هزینه‌ای که جامعه در سال گذشته بابت موضوع حجاب پرداخت کرد، ایجاب می‌کند تا جلوی تکرار چنین بحران‌هایی را بگیریم. لایحه حجاب در پی ابهام و سکوت قوانین قبلی تصویب شد تا آشفتگی و تنش جامعه در موضوع حجاب را از بین ببرد. مسأله‌ای که این بار مهم

است، تصویب قانونی است که نه تنها اشتباهات قوانین و مقررات قبلی را نداشته، بلکه با افق دید گسترده‌تر به جامعه و شرایط موجود بپردازد. در این گزارش محمدمحسن فرحزادی، حقوقدان، به تردیدها و سؤالات ما در مورد لایحه حجاب و ایرادات آن پاسخ می‌دهد.

پلمب می‌شوند و فردا باز می‌شوند بدون هیچ بازدارندگی. لایحه جدید به این موارد به صورت اختصاصی پرداخته، مثلاً می‌گوید اگر چنین اتفاقی برای کسی افتاد، درصدی از سودش را می‌گیرم. قانون سابق قطعاً کفایت نمی‌کرد و بازدارندگی نداشت. این لایحه در ادامه قوانین قبلی است و مجلس به حجاب شرعی دست نزده اما عناوین و موارد آن به صورت خرد پرداخته شده است.

در خصوص نحوه برخورد پلیس به عنوان ضابط قضایی شبهات مطرح می‌شود، مبنی بر اینکه ضابط قضایی در این لایحه صرفاً ثبت کننده جرم توسط دوربین‌هاست و اقتدار قبلی خود را در جامعه از دست می‌دهد، از طرفی هنوز زیرساخت برای دوربین‌های مورد نیاز را نداریم. این مسأله از نظر شما چگونه است؟

پلیس یک ضابط قضایی است، در این قانون ماده ۳۶ و ۳۷ را برای یک ضابط عام و یک ضابط خاص داریم. ضابط خاص حدود و ثغورش مشخص شده اما ضابط خاص بیشتر از این حدود نیز می‌تواند دخالت کند. قبلاً پلیس خودش فرد را می‌گرفت، آموزش می‌داد و جریمه می‌کرد اما در لایحه باید این موضوع در محکمه بررسی شود. پلیس می‌تواند با توجه به قانون امر به معروف و نهی از منکر تذکر لسانی دهد اما نمی‌تواند دستگیر کند؛ زیرا باید صحنه جرم را برای دادگاه تصویربرداری کند.

در ماده ۳۶ می‌گوید که پلیس می‌تواند از ابزار خاص استفاده و تصویربرداری کند تا جرایمی که مشخص شده اجرا شود اما آیا می‌تواند تذکر لسانی دهد؟

بله. جایی گفته نشده که تذکر لسانی نمی‌تواند بدهد. حتی اگر برهنه یا نیمه برهنه‌ای ببیند باید بازداشت کند. اما اگر ببیند روستری فردی افتاده می‌تواند تذکر دهد اما باید در ادامه به عنوان ضابط صرفاً تصویربرداری کند تا بتوانیم اثبات و قانون را اجرا کنیم. طبق آمارهای پلیس دوربین به تعداد خوبی وجود دارد و همچنین می‌توان از ظرفیت‌های دیگر نیز استفاده کرد. مثلاً مردم اگر توسط فراجا آموزش دیده باشند نیز می‌توانند تصویربرداری کنند. این آموزش برای این است که مردم در مقابل هم قرار نگیرند. البته که نسبت به صنوف احتیاج به آموزش نیست و مردم می‌توانند خودشان تصویربرداری و به سائیتی که فراجا اعلام کرده فیلم را ارسال کنند.

صحبت دیگری که مطرح می‌شود این است که در لایحه نوشته شده در اماکن دولتی اگر فردی بدون

پس در جامعه ما حکومت موظف است که این امر شارعانه را که حدود و ثغورش را شارع مشخص کرده، اجرا کند.

یکی از ایرادهای برخی منتقدان این است که باید به جای قانون، تدابیر فرهنگی انجام می‌شد. نظر شما در این مورد چیست؟

نکته اساسی این است که قطعاً اگر بخواهیم جامعه را همراه کنیم، باید نسبت به مسائل فرهنگی آن طرح و برنامه ریخته شود. همه مسائل خصوصاً موارد فرهنگی صرفاً با جرم‌انگاری و دخالت حاکمیت حل نمی‌شود و با شیوه سخت برخورد کردن شاید نتایج خوبی نداشته باشد، اما هرکس وظایف خودش را دارد. نظام قانونگذاری وظیفه ایجاد بازدارندگی و وضع قانون را دارد. دستگاه‌های فرهنگی نیز باید در مورد تعامل، صحبت و رفع سؤالات مردم و رفع دغدغه‌ها اقدام کنند. نگاه افراد حقوقی این است که الان یک امر خلاف واقع در جامعه اتفاق افتاده و باید فکری به حال آن شود. من اینطور فکر می‌کنم که قانون فعلی کارایی خودش را از دست داده و مهجور شده است. دستگاه‌های اجرایی خودشان در حال تلاش هستند تا این مسأله را حل کنند. نهاد حقوقی به دنبال این است که نشان لازم را به قانون بدهد و حرف‌های ناگفته را بیان کند تا این امر حل شود. آیا نهاد‌های فرهنگی هم مانند نهاد حقوقی فکر می‌کنند؟ قطعاً خیر. نهاد فرهنگی باید قائل به این باشد که این مسأله باید با موارد نرم حل شود. آمار را اعلام کرده‌اند که سیاست کیفری برای ۱۶ درصدی است که نسبت به قانون مواجهه دارند و خلاف قانون عمل می‌کنند. لایحه حجاب، سکوت جامعه و دغدغه موجود در جامعه را در خصوص این جامعه آماری حل کرده است.

قانون قبلی نیز مجازات سه میلیون تومانی و حبس را مشخص کرده بود. دلیل عملی نشدن آن را چه می‌دانید؟

این لایحه قوانین قبلی را نسخ نکرده است. در این لایحه با چهار طیف از افراد مواجه هستیم: برهنه و نیمه برهنه که در حکم برهنه است، بدپوششی، برداشتن روسری و ماده ۶۳۸ قانون مجازات. بنابراین عنوان حجاب شرعی را به ریز عنوان تبدیل کرده‌ایم. قبلاً کسی که بی‌حجابی را ترویج کرده بود با کسی که بدون روسری بود، همه ذیل عدم رعایت حجاب شرعی که در تبصره ماده ۶۳۸ قانون مجازات ذکر شده بود، می‌آمدند. پس هم عناوین را خرد کرده و هم عناوینی اضافه کرده است. مواردی مانند نرم افزار طاقچه یا امثال آن که اخیراً پلمب شدند، به دلیل سکوت و ابهام قانون، امروز

پرورش را مکلف می‌کند که فلان کار را انجام دهد، اما در قانون نویسی وجه الزام آور آن جرم‌انگاری کردن است. وقتی نهادی مثل آموزش و پرورش مکلف به انجام کاری می‌شود، اگر انجام ندهد بالاترین مقام آن نهاد مرتکب جرم شده و مجازات می‌شود. تا قبل از لایحه حجاب، گاه سیاست‌هایی داشتیم که وجه الزام آور نداشت، اما وقتی این لایحه آمد و در مجلس به رأی گذاشته شد؛ نمایندگان به دو فوریتی بودن آن رأی ندادند زیرا پیوست فرهنگی ندارد و لذا به یک فوریت رأی دادند و لایحه به کمیسیون بازگشت و کمیسیون قضایی، مرکز پژوهش‌های مجلس را مکلف کرد که پیوست فرهنگی برای آن ایجاد کند. لذا ۴۰ ماده ابتدایی لایحه مکلف کردن دستگاه‌ها و نهادها به موارد و سیاست‌هایی است که از قبل روی زمین مانده که وجه الزام آور آن نیز آمده است.

نظر شما در خصوص همراهی جامعه با این قانون چیست؟

در خصوص مسائل حقوقی و کیفری بحثی مطرح می‌شود که حقوق و وظیفه تنظیم روابط را دارد؛ اما در جوامع بشری به این نتیجه رسیده‌اند که نگرش نسبت به حقوق باید متفاوت شود و حقوق به سمت تغییر نگرش و رفتار برود. تغییر رفتار در مسائل کیفری بطور ایجاد می‌شود؛ اینکه ما بپاییم جهات بازدارندگی مسأله را بالا ببریم. گاهی می‌خواهیم قانونی را وضع کنیم که نیاز به همراهی جامعه دارد. گاهی نیز قانونی وضع می‌کنیم تا اختلالات درون جامعه را کاهش دهد. مثلاً وضع قانون برای سرعت و تنظیم سند رسمی. وضع قانون در این دو مورد متفاوت است. برای سند رسمی احتیاج به اقبال عمومی داریم، اما در مورد سرعت که جامعه را به مخاطره انداخته موضوع فرق دارد. در مورد حجاب نیز همین مسأله وجود دارد. مسأله حجاب در جامعه اختلال ایجاد کرده و قانون موجود بازدارنده نیست. ما باید بازدارندگی قانون را بالا ببریم و درصد مرتکبان را کاهش دهیم. البته ما قائل به این نیستیم که همه مجرم هستند، برخی افراد از روی جهل و نادانستن مرتکب می‌شوند، اما بالاخره باید این اختلال را از بین ببریم. اینکه در فضای مجازی نیز گاهی ذکر می‌شود که شما از جامعه و وضعیت آن خبر ندارید و جامعه همراه نیست موضوع دیگر است. ما یک قانون اساسی داریم که آن را یا قبول داریم و یا نداریم. اگر قبول داریم که در اصل ۲، اجرای احکام الهی را وظیفه حکومت دانسته و در اصل ۳ نیز مجتهد جامع الشرایط را حاکم بر انجام آن می‌داند.

به نظر شما ضرورت و مزیت‌های نوشتن این لایحه با وجود قوانین و مقررات قبلی مانند مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی چیست؟

ما در حوزه حجاب با یک خلل قانونگذاری مواجه هستیم. سال گذشته اتفاقی که افتاد موجب ایجاد یک بحران در کشور شد. متفکران این حوزه معتقدند قوانین حجاب دچار یک ایستایی شده و سکوتی در سیاست قانونگذاری وجود دارد. لذا اولین راهکار این است که از سکوت خارج شویم و قانونگذار در خصوص دغدغه‌ای که در جامعه وجود دارد، تعیین تکلیف کند و مسأله را بدون پاسخ نگذارد. ما یکسری مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی داریم و موضوع الزام آور بودن یا نبودن آن‌ها، اختلالی را به وجود آورد. از طرف دیگر تبصره ماده ۶۳۸ قانون مجازات را داریم که مجازات حدود ۳ میلیون تومان مشخص کرده است. اما وقتی اجرای این قوانین را بررسی می‌کنیم، می‌بینیم خروجی آن چیزی که مدنظر بوده نیست. از طرفی به دلیل اجرایی نشدن قوانین، پلیس در مرحله اجرا از ابتکار استفاده کرد و جلسه‌ای برای ارشاد و مانشین‌هایی نیز برای تذکر در سطح شهر گذاشت. و در مرحله بعدی در نظر گرفت با پیامک به افراد بی‌حجاب تذکر دهد. در واقع این موارد در متن قانون نبوده و خروجی آن را هم دیدیم که بطور شد. حالا قانونگذار به این نتیجه رسیده که باید متن قانون را صریح و شفاف بگوید. حدود حجاب شرعی یعنی کفین و صورت، اما شخصی ممکن است روسری اش را برداشته باشد یا نیمه برهنه شده باشد و آن ماده قبلی کفایت این را نداشت که به همه موارد رسیدگی کند. در قانون جدیدی که نوشته شده این تفکیک صورت گرفت و تناسب مجازات و عدالت قضایی اتفاق افتاد. یعنی فرد در محکمه حاضر می‌شود و از خودش دفاع می‌کند و قاضی برای او حکم صادر می‌کند. در اینجا پلیس نمی‌تواند فرد را جریمه کند، زیرا ما قائل هستیم که طبق اصل ۱۵۶ قانون اساسی، تعزیر را قوه قضائیه باید حکم دهد. پلیس یک ضابط است و باید فرد را ضابط کند و تحویل محکمه دهد تا قاضی نسبت به شرایط فرد حکم دهد. نکته کلی این است که ضرورت وجود این لایحه حس می‌شود.

در قانون جدید هم برخی نهادها مثل قوانین و مصوبات قبلی مکلف شده‌اند. نظارت روی آن‌ها به چه شکلی صورت می‌گیرد؟

در سیاست نویسی وجه الزام آور آن مشخص نیست. مثلاً شورای انقلاب فرهنگی، آموزش

متفکران این حوزه معتقدند قوانین حجاب دچار یک ایستایی شده و سکوتی در سیاست قانونگذاری وجود دارد. لذا اولین راهکار این است که از سکوت خارج شویم و قانونگذار در خصوص دغدغه‌ای که در جامعه وجود دارد، تعیین تکلیف کند و مسأله را بدون پاسخ نگذارد



مسأله حجاب در جامعه اختلال ایجاد کرده و قانون موجود بازدارنده نیست. ما باید بازدارندگی قانون را بالا ببریم و درصد مرتکبان را کاهش دهیم. البته ما قائل به این نیستیم که همه مجرم هستند، برخی افراد از روی جهل و نادانستن مرتکب می‌شوند، اما بالاخره باید این اختلال را از بین ببریم

